

سوجب پیدایش عده کثیر ولگردان نمیگردد ، ولی بخوبی سیستم نظام وظیفه عمومی نیست . شرایط کنونی فقط به ما اجازه میدهد که به بسیج داوطلبان دست بزنیم و هنوز امکان نداریم شیوه نظام وظیفه عمومی را جاری گردانیم . لیکن داوطلبانی که بسیج شده‌اند ، از آنجا که مدتی طولانی در ارتش بسر خواهند برد ، ممکن است علاقه‌شان نسبت بکار کمترگردد و در آخر بعضی از آنها ولگرد شوند و عادات زشت سربازان دیکتاتورهای نظامی را بگیرند ، ولی از زمانیکه ارتش برای رفع نیازسندیهای خود شروع بکار تولیدی کرد ، علاقه نسبت بکار بیشتر گردیده و رسوم و عادات ولگردمآبانه بر طرف شده‌است . ۳ - تقویت انضباط . انضباط در امور تولیدی نه تنها انضباط در نبرد و زندگی رزمندگان را تضعیف نمیکند بلکه در واقع باعث تقویت آن نیز میگردد . ۴ - بهبود مناسبات بین ارتش و خلق . هر گاه یکی از واحدهای نظامی به اداره " اسور خانگی " خود پردازد ، تعرض بمال مردم زیاد و یا هرگز پیش نیاید . از آنجا که ارتش و خلق در امور تولیدی با تبادل نیروی کار بیکدیگر کمک میکنند ، دوستی بین آنها تقویت میگردد . ۵ - کاهش شکایات ارتش از دولت و بهبود مناسبات آنها . ۶ - تشویق خلق به شرکت در جنبش عظیم تولیدی . هر گاه ارتش بکار تولیدی پردازد ، ضرورت اقدام بکار تولیدی برای ادارات دولتی و سازمانهای دیگر عیان‌تر میگردد و آنها با انرژی بیشتری باین کار مشغول خواهند شد ، و همچنین ضرورت ایجاد یک جنبش وسیع تمام خلقی برای افزایش تولید طبیعتاً آشکارتر میشود و با انرژی بیشتری برآورده میگردد .

جنبش اصلاح سبک کار و جنبش کار تولیدی که بترتیب در سالهای ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ آغاز شده و خصیلت عام یافته‌اند ، یکی در زندگی معنوی

و دیگری در زندگی مادی ما نقش قطعی بازی کرده و میکنند . اگر ما موفق نشویم این دو حلقه را بموقع در دست بگیریم ، تمام سلسله انقلاب از دست ما در خواهد رفت و نخواهیم توانست سباززه خویش را به پیش ببریم .

همه میدانند که از آن اعضائی که پیش از سال ۱۹۳۷ وارد حزب شده‌اند ، پیش از چند ده هزار نفر باقی نمانده‌اند ، حال آنکه اعضای کنونی حزب ما پیش از ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر میشود که اکثر آنها از میان دهقانان و سایر قشرهای خرده بورژوازی برخاسته‌اند . اینان از خود فعالیت انقلابی قابل تحسینی نشان میدهند و مایلند که تربیت مارکسیستی بیابند ، ولی ایدئولوژیی با خود بحزب آورده‌اند که با مارکسیسم تطبیق نمیکند و یا کاملاً تطبیق نمیکند . این مطلب درباره بخشی از کمونیستهای که پیش از سال ۱۹۳۷ وارد حزب شده‌اند ، نیز صادق است . این یکی از جدی‌ترین تضادهاست و اشکال بزرگی است . در چنین شرایطی ، اگر ما به گسترش جنبش همگانی آموزش مارکسیسم یعنی جنبش اصلاح سبک کار نپردازیم ، آیا فکر میکنید که بتوانیم با موفقیت به پیش برویم ؟ بدیهی است که نه . اما از آنجا که ما این تضاد را که در نزد بسیاری از کادرها وجود دارد — تضاد درون حزبی میان ایدئولوژی پرولتری و ایدئولوژی غیرپرولتری ( منجمله ایدئولوژی خرده بورژوائی و بورژوائی و حتی ایدئولوژی طبقه مالکان ارضی ولی بطور عمده ایدئولوژی خرده بورژوائی ) یعنی تضاد میان ایدئولوژی مارکسیستی و ایدئولوژی غیرمارکسیستی — حل کردیم و حل میکنیم ، حزب ما میتواند با وحدت بیسابقه‌ای ( وحدتی که گرچه کامل نیست ) در زمینه ایدئولوژی ، سیاسی و تشکیلاتی ، با گسهای بلند و مطمئن به پیش برود . در آینده حزب ما

میتواند و باید بازهم بیشتر رشد و توسعه یابد و ما در پرتوی اصول ایدئولوژی مارکسیستی خواهیم توانست رشد آتی آنرا باز هم بهتر هدایت کنیم .

حلقه دیگر عبارتست از جنبش کار تولیدی . اینک هشت سال است که جنگ مقاومت ادامه دارد . ما در آغاز جنگ هنوز خوراک و پوشاک داشتیم ، ولی بعداً وضعیت بتدریج وخیم گشت و حتی دشواریهای عظیمی پیدا شد : کمبود غلات ، کمبود روغن خوراکی و نمک ، کمبود لحاف و پوشاک ، و کسر بودجه . این دشواریها و این تضادهای فوق العاده عظیم از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۴۳ یعنی موقعیکه تجاوزکاران ژاپنی به تعرض پرداختند و دولت گویندگان سه مرتبه به حملات بزرگ ضد خلقی ( حملات خونین ضد کمونیستی ) دست زد ، پدید آمدند . اگر ما بر این دشواریها غلبه نمیگردیم ، اگر این تضادها را حل نمی نمودیم ، اگر این حلقه را بدست نمیگرفتیم ، آیا فکر میکنید که میتوانستیم مبارزه خود را بر ضد ژاپن به پیش ببریم ؟ مسلماً نه . ولی ما کار تولیدی را آسوخته ایم و بازهم میآموزیم و بدین ترتیب دوباره نیرو گرفته ایم و دوباره سرشار از زندگی هستیم . چند سال دیگر ما از هیچ دشمنی باک نخواهیم داشت و قادر خواهیم بود بر هر دشمنی غلبه کنیم . پس اهمیت تاریخی خطیر جنبشهای اصلاح سبک کار و کار تولیدی کاملاً مفهوم است .

بگذار ایندو جنبش بزرگ را که پایه اجرای سایر وظایف ما در مبارزه اند ، بازهم بیشتر تکامل بخشیم و توسعه دهیم . اگر ما باین کار موفق شویم ، آزادی کامل خلق چین تأمین خواهد شد .

ما در دوره کشت بهاره هستیم . امیدواریم که رفقای رهبری ،

کادرها و توده‌های مردم در کلیه مناطق آزاد شده ، حلقه تولید را بدون قوت وقت در دست بگیرند و به کامیابیهائی بزرگتر از پارسال نایل آیند . بویژه در آنجا که هنوز اشتغال بتولید آموخته نشده ، باید اسسال با کوشش بیشتری باین کار پرداخت .

www.KetabFarsi.com

# هم آوازی هارلی و چانکایشک شکست خورد

( ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۵ )

هفتم ژوئیه جلسه چهارمین شورای سیاسی ملی که دعوت شده بود تا رژیم استبدادی چانکایشک را رنگ‌آمیزی کند در چون چینگ گشایش یافت . هیچگاه تعداد حاضران در جلسه افتتاحیه این شورا اینقدر کم نبود . نه فقط نمایندگان حزب کمونیست چین حضور نداشتند بلکه تعداد کثیری از سایر اعضای شورا هم غائب بودند . از مجموعه ۲۹ نفر فقط ۱۸ عضو در جلسه حضور داشتند . در جلسه افتتاحیه چانکایشک سخنرانی کرد و گفت : " دولت در نظر ندارد در مورد مسائل مربوط به دعوت مجلس ملی ، طرح شخصی را عرضه کند و بشما آقایان اسکان میدهد که بحث پرداختن‌های در این موضوع پردازید . دولت با کمال حسن‌نیت و صمیمیت برای شنیدن نظریات شما در باره این مسائل آماده است . " باین طریق ظاهراً دعوت مجلس ملی که برای ۱۲ نوامبر آینده پیش‌بینی شده بود متوقف میماند . هارلی اسپریالیست نیز در این کار دست دارد . اوست که چانکایشک را بتوسل بچنین مانوری قویاً ترغیب کرده است . بر این اساس بود که چانکایشک در نطق آغاز سال جدید (۱)

---

متن حاضر تفسیری است که رفیق مائو سه دون برای خبرگزاری سین هوا نگاشته است .

تا حدی با اطمینان خاطر حرف زد و حتی در نطق اول مارس (۲) گستاخی بسیار بخرج داد و از تصمیم خویش مبنی بر " باز گردانیدن قدرت دولتی به خلق " در ۱۲ نوامبر سخن گفت . وی در نطق اخیر خود پیشنهاد حزب کمونیست چین را که مبین اراده خلق چین و خواستار دعوت کنفرانسی از کلیه احزاب و گروههای سیاسی و تشکیل دولت ائتلافی است بطور قاطع رد کرد . در عوض ، با شادمانی بی پایان در پیرامون تشکیل کمیسیونی مرکب از سه نفر ، و از آنجمله يك نفر آمریکائی بمنظور " تجدید سازمان " سپاهیان حزب کمونیست چین داد سخن داد . وی کار جسارت را بجائی رسانید که گفت پیش از آنکه " وضع قانونی " به حزب کمونیست چین اعطا شود این حزب باید سپاهیان خود را بوی تسلیم کند . در همه این جریانات ، پشتیبانی جناب آقای پاتریک هارلی نقش قاطع داشته است . این شخص در اظهارات خویش در ۲ آوریل در واشنگتن در عین حال که بشیوه همیشگی امپریالیست‌ها نقش حزب کمونیست چین را نفی کرد ، به فعالیت او تهمت و افتراء وارد ساخت و همکاری با او را مردود شمرد به تبلیغ در پیرامون " مجلس ملی " و سایر نقشه‌های شوم چانکایشک پرداخت . باین طریق هم‌آوازی هارلی و چانکایشک که یکی در آمریکا و دیگری در چین ولی هر دو آنها بقصد قربانی کردن خلق چین سخن میگفتند باوج خود رسید . اما چنین معلوم میشود که از این زمان بعد کار آنها رو بخرابی رفته است . در میان چینی‌ها و خارجی‌ها ، در داخل و در خارج گومیندان ، در بین اعضاء احزاب مختلف و همچنین در بین بیحزب‌ها ، در همه جا صداهای بیشماری باعتراض برخاست . یگانه دلیل این امر اینست که مواضع هارلی - چانکایشک اگرچه بسیار رنگ‌آمیزی شده هدفش در مرحله آخر عبارتست از قربانی کردن منافع

خلق چین ، بهم زدن بازهم بیشتر وحدت او و کار گذاشتن بمبی که باید جنگ داخلی پردامنه‌ای را در چین بیفروزد ، و این کار بمنافع مشترک خلق آمریکا و خلق‌های سایر دول متفق نیز ، خواه در جنگ ضد فاشیسم و خواه در همزیستی مسالمت‌آمیز بعد از جنگ لطمه میزند . معلوم نیست که اکنون هارلی بچه کار مشغول است ، ولی در هر صورت بنظر میرسد که او عجالتاً رو پنهان کرده است ، بطوری که چانکایشك در برابر شورای سیاسی ملی نتوانست چیزی جز ترهات پراکنده بر زبان راند . چانکایشك در اول مارس گفته بود : ” وضع در کشور ما مانند کشورهای دیگر نیست . ما تا موقع دعوت مجلس ملی هیچ سازمان مسئولی نداریم که بتواند نماینده خلق باشد و دولت بوسیله آن از اراده خلق مستحضر گردد . “ در این صورت چرا ژنرال‌یسیم ما برای ” شنیدن “ نظریات ” شورا حاضر میشود ؟ بعقیده او در سراسر چین هیچ ” سازمان مسئولی . . . که دولت بوسیله آن از اراده خلق مستحضر گردد “ وجود ندارد و از اینجا نتیجه میشود که شورای سیاسی ملی آنچنان ” سازسانی “ است که بهیچ کاری نمی‌آید و هیچ دلیل قانونی برای ” شنیدن “ نظریاتش موجود نیست . معذک همینکه شورا کلمه‌ای بمخالفت با دعوت مجلس ملی دروغین بر زبان راند کار سودمندی انجام داده و درخور رحمت الهی است ، اگرچه با این کلمه خود فرمان اول مارس امپراطوری را نقض کند و مرتکب بزرگترین جرم‌ها شود . البته امروز زود است که بتوان درباره جلسه شورا قضاوت کرد . باید باز چند روز دیگر صبر کرد و دید که شورا چه چیز به ژنرال‌یسیم ” می‌شنواند “ . ولی يك چیز مسلم است : از آن زمان که خلق چین متحداً بر ضد دعوت مجلس ملی دروغین برخاست حتی هواداران پرحرارت ” مشروطه سلطنتی “ هم در مورد ” پادشاه “

ما دچار نگرانی شدند و باو اندرز دادند که با دعوت " پارلمان خود فروختگان " (۳) طناب بگردن خویش نیندازد و از سرنوشت اندوهبار یوان شی کای بپرهیزد . پس ممکن است که " پادشاه " ما را انصرافی حاصل شده باشد . معذک او و اطرافیانش حتی اگر بیش از یک مو هم برایشان ضرر نداشته باشد هرگز نخواهند گذاشت که خلق بر کوچکترین حصه‌ای از حکومت دست یابد . برای این مدعا شاهد کاسلاً جدیدی در دست است : این " پادشاه " انتقادات صحیح خلق را " حملات لگام گسیخته " نامیده و چنین اظهاراتی کرده است : "... بدیهی است که در زمان جنگ نمیتوان از انتخابات همگانی در مناطق اشغالی سخن گفت . از این جهت پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گویندگان در دو سال پیش تصمیم گرفت که در طی سالی که بعد از پایان جنگ فرا میرسد مجلس ملی را دعوت کند و رژیم مشروطه را بنیاد نهد . در آن موقع بعضی از محافل باین مناسبت به حملات لگام گسیخته مبادرت جستند " و عقیده آنها این بود که مهلت اقدام مذکور زیاده از حد طولانی معین شده است . سپس " پادشاه " ما " با توجه باینکه پایان نهائی جنگ ممکن است بعقب افتد و بدون تردید حتی پس از قطع مخاصمات هم نمیتوان نظم را در همه جا بزودی برقرار ساخت " پیشنهاد کرد که " همینکه وضعیت نظامی تثبیت شود از مجلس ملی دعوت بعمل آید " و چون باز " حملات لگام گسیخته " بر ضد او از سر گرفته شد بکلی در شگفتی فرو رفت و سخت سراسیمه گشت . ولی خلق چین باید به چانسکایشک و اتباعش اینطور اخطار کند : هر چه بگوئید و هر کار بکنید مجالی برای حيله و تزویری که جلوگیر اراده خلق باشد نخواهید یافت . آنچه خلق چین میطلبد عبارتست از اجرای بیدرنگ اصلاحات دموکراتیک ، که



منجمله مشتمل باشد بر آزاد ساختن زندانیان سیاسی ، انحلال دوائر عمال مخفی ، تفویض آزادی به خلق و شناسائی وضع قانونی برای احزاب سیاسی . شما هیچیک از اینها را انجام نمیدهید و در مورد تاریخ دعوت " مجلس ملی " که از آن مسئله‌ای ساخته‌اید به شعبده بازی‌هایی میپردازید که حتی بچه سه ساله را هم نخواهد فریفت . بدون حداقل اصلاحات دموکراتیک حقیقی ، همه مجالس شما ، خواه بزرگ و خواه کوچک ، فقط درخور زباله‌دان است . شما میتوانید این را " حملات لگام گسیخته " بنامید . اما لازم است که این نوع حيله و تزویرها مصممانه ، قاطعانه و تمام و کمال افشا شود و هرگز نمیتوان به بقاء اثری از آثار آنها هم رضایت داد زیرا که با حيله و تزویر نمیتوان سازگاری داشت . دعوت یا عدم دعوت مجلس ملی يك چیز است ، اجراء یا عدم اجراء حداقل اصلاحات دموکراتیک يك چیز دیگر . میتوان موقتاً از مجلس ملی صرف نظر کرد ولی اصلاحات دموکراتیک را باید بیدرنگ عملی ساخت . چانکایشک و اتباعش که میخواهند " پیش از مهلت مقرر " قدرت دولتی را بخلق باز بگردانند " چرا امتناع دارند از اینکه " پیش از مهلت مقرر " به حداقل اصلاحات دموکراتیک رضایت دهند ؟ آقایان گومپندانی‌ها ، من پایان مقاله رسیده‌ام ؛ شما باید اذعان کنید که کمونیست‌های چین به " حملات لگام گسیخته " بر ضد شما دست نمی‌زنند بلکه فقط يك سؤال دارند . آیا حق ندارند سؤال بدهند ؟ آیا شما حق دارید از جواب امتناع ورزید ؟ سئوالی که باید بآن جواب گوئید اینست : شما که میخواهید " قدرت دولتی را به خلق باز بگردانید " چرا از اجراء اصلاحات دموکراتیک خودداری میکنید ؟

## یادداشتها

۱ - منظور نطق رادیوئی چانکایشک است در اول ژانویه ۱۹۴۵ . چانکایشک در این نطق به شکست‌های فزاینده باری که سال قبل در هنگام حملات تجاوزکاران ژاپنی بر سپاهیان گومیندان وارد آمده بود بهیچ وجه اشاره نکرد ، در عوض گستاخانه بافترا بر خلق پرداخت و با پیشنهادی که مورد تأیید تمام خلق و تمام احزاب و گروه‌های سیاسی ضد ژاپنی بود یعنی با پیشنهاد لغو دیکتاتوری حزب واحد ، دیکتاتوری گومیندان و ایجاد دولت ائتلافی و فرماندهی عالی مشترک بمخالفت برخاست . وی در حفظ دیکتاتوری انحصاری گومیندان اصرار ورزید و برای آنکه خود را از خشم خلق در امان نگهدارد از دعوت "مجلس ملی" وابسته به گومیندان صحبت داشت و حال آنکه چنین مجلسی از طرف قاطبه خلق مردود شناخته شده بود .

۲ - منظور نطق چانکایشک است در اول مارس ۱۹۴۵ در چون چینگ در برابر انجمن استقرار رژیم مشروطه . وی در این نطق همان مواضع ارتجاعی را که در "نطق آغاز سال جدید" اتخاذ کرده بود حفظ کرد و پیشنهاد داد که کمیسیونی مرکب از سه نفر و منجمله یک نفر نماینده آمریکا تشکیل گردد تا ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را "تجدید سازمان کند" ، و این امر بمعنای تقاضای علنی مداخله امپریالیست‌های آمریکا در امور داخلی چین بود .

۳ - در ۱۹۲۳ تسائوکون ، دیکتاتور نظامی شمال چین ، آراء اعضاء پارلمان را با ۵,۰۰۰ یوان نقره خریداری کرده خود را "رئیس جمهور چین" نامید . از آن بعد تسائوکون بعنوان رئیس جمهوری که از راه رشوه انتخاب شده است شهرت یافت و اعضاء پارلمان مذکور را "نمایندگان خودفروخته" و خود پارلمان را "پارلمان خودفروختگان" لقب دادند . - مترجم

## خطر سیاست هارلی

( ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۵ )

روز بروز روشن تر میگردد که سیاست آمریکا در چین ، که پاتریک هارلی سفیر آمریکا در چین نماینده آنست ، برای کشور ما حاوی خطر جنگ داخلی است . دولت گویندگان که در سیاست ارتجاعی خویش پافشاری دارد از آغاز تأسیس خود در هجده سال پیش تا امروز پیوسته از قبل جنگ داخلی زیسته است . فقط حادثه سی ان در ۱۹۳۶ و ورود ژاپنی ها به جنوب دیوار بزرگ چین در ۱۹۳۷ دولت گویندگان را واداشت که موقتاً از جنگ داخلی بمقیاس سراسر کشور دست باز دارد . ولی این جنگ از ۱۹۳۹ بمقیاس محلی از سر گرفته شد و دیگر هیچگاه قطع نشد . " نخست باید با حزب کمونیست پیکار کرد " — اینست شعاری که دولت گویندگان در بسیج صفوف خویش بکار میبرد ، در حالی که مقاومت بر ضد ژاپن را در درجه دوم قرار داده است . امروزه کلیه اقدامات نظامی وی نه در جهت نبرد با تجاوزکاران ژاپنی بلکه در جهت " بازستاندن سرزمین های از دست رفته " از مناطق آزاد شده چین و برانداختن حزب کمونیست چین توجیه شده است . احراز پیروزی در جنگ مقاومت و

---

متن حاضر تفسیری است که رفیق مائو تسه دون برای خبرگزاری سین هوا نگاشته است .

همچنین تأمین ساختمان مسالمت‌آمیز پس از جنگ اقتضا دارد که ما این وضعیت را بطور جدی در نظر گیریم . رئیس جمهور متوفای آمریکا روزولت باین امر توجه داشت و بخاطر منافع خود آمریکا از یاری به گویندگان در حملات مسلحانه بر حزب کمونیست چین خودداری ورزید . وقتی که در نوامبر ۱۹۴۴ هارلی بعنوان نماینده شخص روزولت به یمن آن آمد طرح حزب کمونیست چین را در خاتمه دادن به دیکتاتوری انحصاری گویندگان و در تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی تأیید کرد . اما سپس تغییر روش داد و آنچه را که در یمن آن گفته بود ستر شد . این تغییر روش در اظهارات او در واشنگتن در ۲ آوریل با صراحت بظهور رسید . این بار دولت گویندگان که چانکایشک مظهر آن است در دهان همین هارلی بصورت حور بهشتی در آمد و حزب کمونیست چین بصورت دیو دوزخی . بعلاوه هارلی بدون پرده‌پوشی اظهار داشت که آمریکا فقط با چانکایشک همکاری خواهد کرد نه با حزب کمونیست چین . البته این فقط نظریه هارلی نیست ، بلکه نظریه يك گروه در داخل دولت آمریکاست ، این نظریه‌ای است غلط و خطرناک . در همان موقع روزولت مرد و هارلی که از شادی سر از پا نمی‌شناخت به سفارت آمریکا در چون چینگ شتافت . سیاست آمریکا در چین ، آن سیاستی که هارلی نماینده آنست ، سیاست خطرناکی است زیرا که دولت گویندگان را به مرتجع‌تر شدن ترغیب میکند و خطر جنگ داخلی را در چین می‌افزاید . اگر این سیاست ادامه یابد دولت آمریکا ناگزیر در گنداب عمیق و ستعفن ارتجاع چین خواهد لغزید ، خصومت صدها میلیون نفر از مردم چین را که یا به آگاهی رسیده و یا در این راه قدم گذاشته‌اند بخود جلب خواهد کرد و بصورت مانعی در برابر جنگ مقاومت کنونی و همچنین در برابر صلح جهانی

آینده در خواهد آمد . آیا این نتیجه ناگزیر بروشنی دیده نمیشود ؟ بخشی از افکار عمومی آمریکا از خطر سیاستی که هارلی در چین نماینده آنست نگرانی دارد و تغییر آن را میطلبد زیرا که آینده چین را در نظر آورده و فهمیده است که در برابر نیروهای خلق چین که خواستار استقلال ، آزادی و وحدت‌اند نمیتوان ایستادگی کرد و مسلماً این نیروها با يك جنبش طوفانی بجای نیروهای ستمگر خارجی و فئودالی خواهند نشست . امروزه ما هنوز نمیتوانیم بگوئیم که آیا سیاست آمریکا تغییر خواهد کرد و کی تغییر خواهد کرد . ولی يك چیز مسلم است : هر گاه سیاستی که هارلی نماینده آنست ، یعنی سیاست حمایت از نیروهای ضد توده‌ای چین و خصوصت نسبت به خلق کثیری مانند خلق چین ، تغییر نیابد بار طاقت‌فرسائی بر دوش دولت و خلق آمریکا خواهد گذاشت و صدمات بیشماری بر آنها وارد خواهد ساخت . این نکته‌ای است که باید بروشنی با اطلاع خلق آمریکا رسانید .

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## تلگراف به رفیق ویلیام فوستر

( ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۵ )

به رفیق ویلیام فوستر و به کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا :  
ما با شادمانی خبر یافتیم که کنفرانس فوق‌العاده انجمن سیاسی کمونیستی آمریکا تصمیم گرفته است که مشی رویونیستی، یعنی مشی تسلیم‌طلبانه برودر (۱) را بدور افکند و رهبری مارکسیستی از نو برقرار کند، و همچنین حزب کمونیست آمریکا را احیا کرده است. ما بمناسبت این پیروزی بزرگ طبقه کارگر و جنبش مارکسیستی آمریکا بشما با شور و شوق تهنیت میگوئیم. سرتاپای مشی رویونیستی - تسلیم‌طلبانه برودر ( که بروز کامل آن در کتاب وی بنام « تهران » دیده میشود ) ماهیتاً انعکاسی است از نفوذ گروه‌های مرتجع سرمایه‌دار آمریکا در جنبش کارگری آمریکا. در حال حاضر این گروه‌ها میکوشند تا نفوذ خویش را در چین بگسترند، به سیاست غلط، ضد ملی و ضد توده‌ای باند مرتجع گومیندان پشتیبانی میرسانند، و بدین ترتیب خلق چین را در معرض خطر جدی جنگ داخلی قرار میدهند و بمنافع خلق‌های دو کشور بزرگ ما یعنی چین و آمریکا لطمه میزنند. بدون تردید پیروزی طبقه کارگر آمریکا و گردان پیش‌آهنگش یعنی حزب کمونیست آمریکا بر مشی رویونیستی - تسلیم‌طلبانه برودر، به آرمان سترگ خلق‌های هر دو کشور ما یعنی به جنگ ضد ژاپنی در زمان حال و به ساختمان جهان صلح و دموکراسی

بعد از جنگ خدمتی بسزا خواهد کرد .

### یادداشتها

۱ - کارل برودر از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۴ دبیر کل حزب کمونیست آمریکا بود . افکار انحرافی راست که او مظهر آنها در این حزب بشمار می آمد هنگام دومین جنگ جهانی بصورت مشی ضد مارکسیستی رویزیونیستی - تسلیم طلبانه گسترش یافت . کارل برودر از دسامبر ۱۹۴۳ در يك سلسله از نطقها و مقالات به ترویج مشی مذکور پرداخت و در آوریل ۱۹۴۴ کتاب « تهران » را منتشر ساخت که عرضه کننده برنامه اپورتونیستی راست او بود . کارل برودر با " تجدید نظر " در این حکم اساسی لنینیسم که امپریالیسم را سرمایه داری انحصاری ، منحط و محتضر میدانند و با انکار خصلت امپریالیستی سرمایه داری آمریکا بر آن بود که سرمایه داری مذکور " برخی از مشخصات سرمایه داری جوان را حفظ میکند " و پرولتاریا و بورژوازی بزرگ در آمریکا " منافع مشترك " دارند . وی از اینجا نتیجه میگرفت که باید از سیستم تروستها دفاع کرد و در این تصور واهی بود که سرمایه داری آمریکا را بوسیله " آشتی طبقاتی " از بحرانهای اجتناب ناپذیر مصون بدارد . کارل برودر بر اساس عقیده باطلی که درباره سرمایه داری آمریکا داشت و بر طبق مشی تسلیم طلبانه همکاری طبقاتی با سرمایه انحصاری ، در مه ۱۹۴۴ به انحلال حزب کمونیست آمریکا - حزب پرولتاریای آمریکا - دست زد و انجمن سیاسی کمونیستی آمریکا را که عاری از خصوصیات حزب بود بنیاد گذاشت . بسیاری از کمونیستهای آمریکا که رفیق ویلیام فوستر در رأس آنها بود از همان آغاز با این مشی غلط برودر بمبارزه برخاستند . در ژوئن ۱۹۴۵ انجمن سیاسی کمونیستی تحت رهبری رفیق ویلیام فوستر قطعنامه ای در محکومیت مشی برودر صادر کرد و در ژوئیه همان سال کنفرانس فوق العاده کشوری تشکیل داده تصمیم گرفت که مشی مذکور را یکباره براندازد و حزب کمونیست آمریکا را احیا کند . برودر که در مواضع خیانت به پرولتاریا پافشاری داشت ، از سیاست امپریالیستی دولت ترومن صریحاً پشتیبانی میکرد و به کارهای فراکسیونیستی ضد حزبی میپرداخت در فوریه ۱۹۴۶ از حزب اخراج شد .



## آخرین نبرد با تجاوزکاران ژاپنی

( ۹ اوت ۱۹۴۵ )

دولت اتحاد شوروی در ۸ اوت به ژاپن اعلان جنگ داده است . خلق چین این حادثه را با شور و شوق تهنیت میگوید . این اقدام دولت شوروی از طول جنگ ضد ژاپنی بمقدار زیاد خواهد کاست . هم اکنون این جنگ در آخرین مرحله خویش است . زمان پیروزی نهائی بر تجاوزکاران ژاپنی و همه سرسپردگان آنها فرا رسیده است . در چنین شرایطی کلیه نیروهای ضد ژاپنی خلق چین باید به تعرض متقابل در مقیاس مراسم کشور دست بزنند و چنان کنند که عملیاتشان با عملیات اتحاد شوروی و سایر دول متفق هماهنگی نزدیک و مؤثر داشته باشد . ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید و سایر نیروهای مسلح توده‌ای باید از هر فرصت ممکن استفاده کرده در همه جا بر تجاوزکاران و سرسپردگان‌شان که حاضر به تسلیم نیستند ، حمله برند ، نیروهای آنان را نابود سازند ، اسلحه و مهمات آنان را بغنیمت گیرند ، مناطق آزاد شده را قویاً توسعه بخشند و از سرزمینهای اشغالی قویاً بکاهند . باید جسورانه به تشکیل گروههای مسلح کار پرداخت که بتعداد صدها و هزارها در عمق سرزمینهای پشت جبهه دشمن نفوذ کنند و اهالی غیرنظامی را بمنظور تخریب خطوط ارتباط دشمن و پشتیبانی از عملیات نیروهای منظم سازمان دهند . باید جسورانه میلیونها و میلیونها نفر را در مناطق اشغالی بسیج

کرد و در آنجا بیدرنگ به سازمان دادن نیروهای زیرزمینی پرداخت تا به تدارك قیاسهای مسلح مشغول شوند و در هماهنگی با سپاهییانی که از خارج به حمله دست میزنند به نابود ساختن دشمن مبادرت جویند . در عین حال نباید از تحکیم مناطق آزاد شده غفلت ورزید . در طی زمستان و بهار آینده باید در این مناطق که هم اکنون صد میلیون جمعیت دارد و در مناطقی که در عرض این مدت آزاد شوند در همه جا از بهره مالکانه و نرخ سود کاست ، تولید را توسعه بخشید ، قدرت توده‌ای و همچنین نیروهای مسلح توده‌ای بوجود آورد ، فعالیت چریک توده‌ای را وسعت داد ، انضباط ارتش را تقویت کرد ، جبهه متحد کلیه قشرهای خلق را استحکام بخشید و از هر گونه اسراف در منابع انسانی و مادی احتراز جست . هدف کلیه این اقدامات عبارتست از تقویت تعرض ارتش ما بر ضد دشمن . باید قاطبه ملت بر هشیاری خویش بیفزاید تا از خطر جنگ داخلی جلو گیرد و در راه نیل به تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک بکوشد . جنگ آزادیبخش ملی چین بمرحله جدیدی رسیده است ، و قاطبه خلق باید وحدت خویش را در مبارزه بخاطر احراز پیروزی نهائی تحکیم کند .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

**毛泽东选集**  
第三卷

•

外文出版社出版（北京）  
1971年（32开）第一版  
编号：（波斯）1050—2020  
80180  
1—Pe—777P